تراخم سیاسی!

ویدئوی وعده داده شده اسفندیار رحیم مشائی که پیش تر اولتیماتوم آن را داده بود اگر بازداشت شود منتشر خواهد کرد و در آن پرده از روی حقایق برخواهد داشت بالاخره روز گذشته و توسط محمود احمدی نژاد رونمائی شد.
علی رغم توقع اولیه سرتاسر ویدئو بر اساس یک توهم تهیه شده و صدر تا ذیل آن داستانی جذاب و تخیلی و بدون حتی یک فکت قابل استناد است و عنصر اصلی در این ویدئو تنها اتکای بر مظلوم نمائی است.
فرضیهای که سه تفنگدار ماجرا (مشائی ، احمدی نژاد و بقائی) تمامی اقدامات خود را بر روی آن بنا کردهاند متکی بر این باور است که حکومت از میزان محبوبیت ایشان نزد توده های گسترده مردم می ترسد و به همین دلیل ایشان را مبتلا به پرونده سازی در عدلیه کردهاند!
فرضیه ای وهم اندیشانه که در ۹۱ نیز منجر به قهر ۱۱ روزه احمدی نژاد شد با این تخیل که قهر ایشان منجر به برون ریخت افواج میلیونی ایرانیان دلباخته به ایشان خواهد شد!
ظاهرا ثلاثی احمدی نژاد ـ مشائی ـ بقائی اصرار وافری دارند تا مطابق نظریه «تکرار دو گانه تاریخی هگل» در حد فاصل تراژدی تا کمدی ، سهم کمیک تاریخ را بنام خود سند بزنند.
کمدی این ثلاثی از حیث محتوا قرابت نزدیکی با تراژدی سیاهکل دارد!
در سیاهکل نیز «چریکهای فدائی خلق» در ۴۹ با توهم برخورداری از پایگاه توده ای و خیزش انقلاب از میانه توده های روستائی، دست به اشغال پاسگاه ژاندارمری روستای سیاهکل زدند با این توهم که با فتح پاسگاه با استقبال و پیوست روستائیان به جنبش چریکی ایشان مواجه خواهند شد!
حماقتی که منجر به آن شد تا قبل از رسیدن قوای شهربانی همان روستائیان با بیل و تیشه به مصاف چریک ها رفته و ایشان را در قامت افراد شورشی مورد تهاجم و تعقیب قرار دادند!
ایشان متوجه نیستند نمی توان شولای خیرخواهی و معدلت برای نظام را بر تن کنند و هم زمان به مهتر نظام دهان کجی کنند و متقابلا توقع اقبال از توده هائی را داشته باشند که در تحلیل نهائی خود را سربازان ولایت می شمارند.
چنین فرجامی محصول تراخم سیاسی نزد سیاست پیشگانی است که توان خود را در دیدن واقعیت های دنیای سیاست از دست داده و دچار خودشیدائی شده اند!

داریوش سجادی
dariushsajjadi44@